

بررسی عدم مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار ایران

محدثه صفاکیش* و زهره فلاح محسن‌خانی

پژوهشکده‌ی آمار

چکیده: زنان نیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می‌دهند اما عموماً مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی به اندازه‌ی ظرفیت‌شان نیست. مطالعات انجام‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد چنان‌چه زنان بتوانند با تمامی ظرفیت خود وارد بازار کار شوند وضعیت اقتصاد کلان کشور به‌طور قابل توجهی بهبود می‌یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد عموماً کشورهای در حال توسعه تفاوت قابل ملاحظه‌ی سطح مشارکت اقتصادی زنان نسبت به مردان را تجربه می‌کنند. برای مثال در سال ۲۰۱۶ نرخ مشارکت اقتصادی مردان حدود ۶۹ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی زنان حدود ۶۰ درصد بوده است. این نرخ‌ها برای ایران به ترتیب حدود ۶۳ درصد برای مردان و ۱۳ درصد برای زنان بوده است. در کشورهای خاورمیانه شاهد نرخ مشارکت ۲۱ درصدی زنان هستیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد اختلاف بین مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های اقتصادی عامل اصلی کاهش نرخ رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها بوده است. دیدگاه جامعه‌شناسی این فرضیه را بیان می‌کند که تفاوت مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای مختلف بیش از آن که ناشی از عوامل اقتصادی باشد، از عوامل مربوط به نظام‌های ارزشی و سنتی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی آن کشور ناشی می‌شود. همچنین یأس و ناامیدی زنان برای جستجوی کار نیز می‌تواند عامل دیگری در این رابطه باشد. به این معنا که بالا بودن نرخ بیکاری در این گروه، خود دلیلی برای ناامیدی و خروج آنان از جمعیت فعال به‌شمار می‌رود. با بررسی داده‌های آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در خصوص علت‌های عدم جستجوی کار در بین زنان غیر فعال، بیش از ۷۰ درصد آن‌ها مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی، در حدود ۲ درصد آنان بی‌نیازی از انجام کار و حدود ۱ درصدشان نیز دلسردی از یافتن کار را به‌عنوان دلیلی برای در جستجوی کار نبودنشان بیان نموده‌اند؛ که این اطلاعات می‌تواند مؤید تأثیر نگرش‌های ارزشی و فرهنگی در مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی باشد. یافته‌های طرح آمارگیری گذران وقت

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات

نقاط شهری تابستان سال ۱۳۹۴ مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد متوسط زمان سپری شده برای فعالیت‌های خانه‌داری در مردان نسبت به زنان ناچیز است که این امر نیز به نوبه خود رغبت زنان به فعالیت‌های اقتصادی را کم می‌کند. بنا بر این می‌توان این‌گونه بیان کرد که پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران بیش از عوامل اقتصادی معلول نگرش‌های فرهنگی و سنتی موجود در جامعه است.

واژگان کلیدی: نرخ مشارکت اقتصادی، آمارگیری نیروی کار، جمعیت غیر فعال، جمعیت شاغل، آمارگیری گذران وقت.

۱- مقدمه

امروزه محققان بر این باورند که از میان سرمایه‌های فیزیکی، فناوری و انسانی، متغیر اصلی و با اهمیت، سرمایه‌ی انسانی و بهره‌وری صحیح از آن است. بی‌تردید جامعه‌ای که در آموزش و به‌کارگیری از نیروی انسانی ناکارآمد باشد قادر به توسعه و پیشرفت نخواهد بود. یکی از مهم‌ترین معیارها جهت سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان اهمیت و اعتبار زنان در آن کشور است. اکنون نگاه جهان، بیش‌تر به سوی زنان معطوف شده است زیرا امروز، برای تحقق توسعه‌ی اجتماعی، تسریع فرایند توسعه‌ی اقتصادی و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به‌عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. بنا بر این یک جامعه‌ی توسعه‌یافته بر اساس مشارکت هر چه فعال‌تر زنان در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تشکیل شده است. در جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته، حضور زنان در تمام عرصه‌ها مؤثر است. به‌ویژه در عرصه‌های مختلف فعالیت اقتصادی که تأثیر بسیاری بر روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی جامعه دارد. در اقتصاد جهانی، با مکانیزه شدن تولید بعد از انقلاب صنعتی، دیگر، قدرت جسمانی، عامل تعیین‌کننده برای انجام بسیاری از امور، به حساب نمی‌آید. در این میان، در بسیاری از جوامع، خصوصاً در کشورهای جهان سوم، هنوز زنان جایگاه خود در فعالیت‌های اقتصادی را کسب نکرده‌اند. بر اساس آمار وب‌گاه بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ به‌طور میانگین حدود ۴۹/۵ درصد جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند [۶] در صورتی که فقط در حدود ۳۹ درصد تولید ناخالص داخلی جهان^۱ به این گروه اختصاص می‌یابد. سازمان بین‌المللی کار به نقل از گزارش مطالعه‌ی اخیر مؤسسه‌ی سراسری مک‌کنزی^۲ در سال ۲۰۱۵، بیان کرده است که بر اساس

برآوردها اگر زنان همانند مردان در عرصه‌ی کار و فعالیت نقش‌آفرینی داشته باشند در سال ۲۰۲۵، تولید ناخالص داخلی جهان، به بیش از ۲۸ تریلیون دلار خواهد رسید [۸]. بر اساس آمار منتشرشده از سوی سازمان بین‌المللی کار^۲، به‌طور کلی در دو دهه‌ی گذشته نرخ مشارکت اقتصادی روند کاهشی را تجربه کرده است. در دنیا نرخ مشارکت اقتصادی مردان از ۷۹/۹ درصد در سال ۱۹۹۵ با ۳/۸ درصد کاهش به ۷۶/۱ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. این سازمان همچنین نرخ مشارکت اقتصادی زنان را در سال ۲۰۱۵ رقم ۴۹/۶ درصد اعلام کرده است که نسبت به رقم مشابه در سال ۱۹۹۵، ۲/۸ درصد کاهش داشته است. سازمان بین‌المللی کار فاصله‌ی جنسیتی را برابر با تفاضل نرخ مشارکت اقتصادی مردان از زنان تعریف کرده است. به‌دلیل این‌که معمولاً نرخ مشارکت زنان کم‌تر از مردان است این شاخص به‌طور عمومی عددی منفی است. در سال ۲۰۱۵، فاصله‌ی جنسیتی موجود میان نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان دنیا برابر با ۲۶/۵- درصد بوده است. این رقم بیانگر این واقعیت است که در جهان شانس زنان برای مشارکت در بازار کار در حدود ۲۷ درصد کم‌تر از شانس مردان است. نرخ مشارکت اقتصادی پایین‌تر زنان نسبت به مردان به معنای موقعیت‌های استخدامی و کاریابی کم‌تر برای آنان و در نتیجه تأمین اقتصادی کم‌تر برای زنان است. بر اساس این گزارش، فاصله‌ی جنسیتی میان مشارکت اقتصادی زنان و مردان در بیش‌تر مناطق جهان کاهش یافته اما در منطقه‌ی جنوب آسیا روند افزایش را سپری کرده است [۷].

در بخش دوم با نگاهی به فعالیت اقتصادی زنان در دنیا، مقایسه‌ای میان ایران و جهان صورت گرفته است. در بخش سوم با نگاه به یافته‌های آمارگیری از گذران وقت در نقاط شهری کشور سال ۱۳۹۴، متوسط زمان سپری‌شده در روز برای فعالیت‌های خانه‌داری و امور شغلی زنان و مردان مرور شدند. بخش چهارم علت‌های عدم جستجوی کار در میان مردان و زنان غیر فعال به‌ویژه زنان مرور، و این علت‌ها از نظر زنان فارغ‌التحصیل آموزش عالی و زنان مجرد و ازدواج‌کرده بررسی شدند. در انتها نیز به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۲- طرح موضوع

یکی از مشکلات زنان در مواجهه با بازار کار، ساعات کار بیش‌تر با درآمد کم‌تر است که چالش‌های بسیاری را در بازار کار جهانی سبب شده است. در سال‌های اخیر، تلاش زنان

برای رفع تبعیض جنسیتی در بازار کار تحولات و تغییرات عمیقی را در این مقوله پدید آورده است. مشاغل مناسب و مطلوب برای زنان، حمایت اجتماعی جهانی و اقدام برای به رسمیت شناختن کار آن‌ها از جمله فعالیت‌هایی است که در این زمینه انجام شده است. اما همچنان شاهد تفاوت نرخ مشارکت اقتصادی بین زنان و مردان هستیم. به استناد گزارش بانک جهانی با بررسی نابرابری جنسیتی در جهان هنوز عده‌ی زیادی از زنان در ازای انجام کارهای برابر با مردان دست‌مزد کم‌تری دریافت می‌کنند. در دنیای کار، زنان و مردان تحت شرایط برابر کار نمی‌کنند و زنان حداقل دو برابر مردان در کارهای بدون مزد داخلی مانند مراقبت و خانه‌داری مشغول به کار هستند. زنان به‌طور متوسط ۱۰ تا ۳۰ درصد کم‌تر از مردان درآمد کسب می‌کنند.

مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی نه تنها در توسعه‌ی ظرفیت‌ها و توانایی‌های زنان، بلکه در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جامعه نقشی کلیدی دارد. کشوری که به دنبال توسعه یا تسریع فرایند توسعه است، نمی‌تواند نیمی از نیروی انسانی خود را نادیده بگیرد. جامعه هنگامی توسعه می‌یابد که همه‌ی اعضای جامعه - اعم از زن و مرد - فرصت برابر و انگیزه‌ی قوی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را داشته باشند. زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. در این مورد که زنان در جامعه و همچنین زندگی اقتصادی مهم‌ترین نقش را دارند، همیشه اتفاق نظر وجود داشته است. با این وجود، نقش زنان نه تنها به وسیله‌ی نظام اقتصادی، بلکه از سوی عوامل فرهنگی و نظام اجتماعی نادیده گرفته شده است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نزدیک به پنجاه درصد جمعیت فعال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای در حال توسعه کم‌تر است. جدول ۱ اطلاعات نرخ مشارکت اقتصادی برخی از کشورهای منتخب را برای مقایسه با ایران نشان می‌دهد. بر اساس این جدول بسیاری از کشورهای همسایه‌ی ایران که در میان آن‌ها همسایگانی چون ترکیه، افغانستان و پاکستان هم به چشم می‌خورند، که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی شباهت زیادی با ایران دارند، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در آن‌ها نسبت به ایران بالاتر است.

جدول ۱- نرخ مشارکت اقتصادی کشورهای منتخب به تفکیک جنسیت، ۲۰۱۵

نام کشور			نام کشور		
زن	مرد	کل	زن	مرد	کل
۶۵	۸۵	۷۵	۴۹	۸۳	۶۶
۶۳	۷۹	۷۱	۴۸	۶۵	۵۶
۶۲	۶۸	۶۵	۴۶	۶۱	۵۳
۶۱	۷۱	۶۶	۴۵	۶۰	۵۲
۵۹	۷۰	۶۴	۴۳	۸۶	۷۱
۵۹	۷۱	۶۵	۴۲	۸۹	۷۲
۵۸	۶۷	۶۲	۳۳	۸۲	۵۷
۵۷	۶۹	۶۳	۳۱	۷۲	۵۱
۵۷	۶۹	۶۳	۲۶	۷۴	۵۳
۵۵	۶۶	۶۰	۲۲	۷۰	۴۷
۵۴	۷۳	۶۲	۲۲	۶۸	۴۵
۵۴	۸۰	۶۷	۲۱	۷۸	۵۴
۵۲	۶۱	۵۶	۲۰	۶۴	۵۵
۵۱	۶۷	۵۹	۱۹	۸۰	۵۰
۵۱	۷۴	۶۲	۱۵	۷۱	۴۳
۵۰	۷۷	۶۴	۱۳	۶۰	۳۶
۵۰	۷۸	۶۴	۱۰	۶۷	۳۹

نرخ‌ها برای سال ۲۰۱۵ است و در خصوص همه‌ی کشورها آخرین نرخ در دسترس، آورده شده است.

⁺ نرخ برای سال ۲۰۱۴ است.

مأخذ داده‌ها: وبگاه سازمان بین‌المللی کار به نشانی

http://www.ilo.org/ilostat/faces/home/statisticaldata/ContryProfileId?_afzLoop=499804000710970&_adf.ctrlstate=bic0sc6cx_250#%40%3F_afzLoop%3D499804000710970%26_adf.ctrl-state%3Djowryrvh7_50

در مقایسه با ارقام جهانی، ایران با نرخ مشارکت کل ۳۸/۲ درصد در جایگاه پایینی نسبت به جهان قرار دارد. با در نظر گرفتن این امر که بخش بزرگی از جمعیت کشور نیروی در سن فعالیت هستند این نرخ پایین شرایط نامناسب بازار کار را از نظر ناتوانی در فراهم آوردن موقعیت‌های شغلی برای این نیروی انسانی بالقوه نشان می‌دهد. بر اساس تازه‌ترین یافته‌های آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴، نرخ مشارکت اقتصادی

مردان برابر با ۶۳/۲ درصد و این رقم برای زنان برابر با ۱۳/۳ درصد بوده است [۳]. اما تفاوت نرخ فعالیت مردان و زنان در ایران بسیار بالا و برابر با ۴۹/۸- درصد است. در عرصه‌ی جهانی نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۷۶ درصد و نرخ فعالیت زنان در حدود ۵۰ درصد است که این میزان در کشور ما درباره‌ی مردان با میانگین جهانی در حدود ۱۳ درصد تفاوت دارد ولی در خصوص زنان این میزان بسیار پایین و بیش از ۳۷ درصد است. مسئله‌ی دیگر این است که در طول ۵ سال منتهی به سال ۱۳۹۴ نه فقط مشارکت اقتصادی زنان کاهش یافته بلکه با افزایش مشارکت اقتصادی مردان فاصله‌ی جنسیتی از ۴۷/۶- به ۴۹/۸- رسیده است (جدول ۲).

جدول ۲ نرخ مشارکت (فعالیت) اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ایران بر حسب جنس و فاصله‌ی جنسیتی، در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴

۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
۶۲/۱	۶۰/۷	۶۱/۶	۶۳/۰	۶۲/۵	۶۳/۲	مرد
۱۴/۵	۱۲/۶	۱۳/۸	۱۲/۴	۱۲/۰	۱۳/۳	زن
-۴۷/۶	-۴۸/۱	-۴۷/۸	-۵۰/۶	-۵۰/۵	-۴۹/۸	فاصله‌ی جنسیتی
۳۸/۳	۳۶/۹	۳۷/۷	۳۷/۶	۳۷/۲	۳۸/۲	کل

مأخذ داده‌ها: طرح آمارگیری نیروی کار، ۱۳۸۹-۱۳۹۴

تاکنون مشارکت زنان در جامعه‌ی ایران بیشتر از جنبه‌های اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، در حالی که اهمیت فعالیت اقتصادی زنان به‌عنوان بخشی از جمعیتی که به‌صورت بالقوه به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور هستند تحت‌الشعاع قرار گرفته است. به نظر می‌رسد رضایت از مشارکت زنان در برخی از فعالیت‌های اجتماعی اکثراً از نقش زنان در شکل‌گیری انقلاب ناشی می‌شود. غالباً مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی مناسب‌تر از مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی ارزیابی می‌شود و جامعه فعالیت‌های اجتماعی زنان را خیلی با ارزش‌تر از فعالیت‌های اقتصادی آنان ارزیابی می‌کند. نگاهی به دیدگاه اسلام درباره‌ی اقتصاد خانواده نشان می‌دهد که زنان این حق را دارند که در مقابل کاری که در خانه انجام می‌دهند و حتی شیردادن نوزاد درخواست دست‌مزد کنند. این امر تأکید و تأییدی است بر این امر که زنان نیاز به شغل و استقلال اقتصادی دارند [۱].

بر اساس یافته‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، زنان بیش از نیمی از جمعیت کشور و بیش از ۴۶ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را تشکیل می‌دهند [۴]. پایین بودن نرخ فعالیت زنان در ایران به معنای آن است که بخش بزرگی از نیروی انسانی توانمند و کارآمد در کشور که می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی ایفا کنند بنا به دلایلی از مشارکت در بازار کار باز می‌مانند. بررسی آمارهای حاصل از آمارگیری نیروی کار نشان می‌دهد، سهم بزرگی از جمعیت غیر فعال کشور را زنان تشکیل می‌دهند. پرسشی که این‌جا مطرح می‌شود این است که علت عدم مشارکت زنان در بازار کار از کجا ناشی می‌شود؟ به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، این مقاله، با مروری بر یافته‌های آمارگیری از گذران وقت در نقاط شهری کشور و توجه به سیمای گذران وقت از نقطه‌نظر زمانی از شبانه‌روز که به فعالیت‌های خانه‌داری اختصاص دارد و همچنین بررسی علت‌های عدم جستجوی کار در افراد غیر فعال به‌ویژه زنان پرداخته است.

۳- گذران وقت از منظر فعالیت‌های خانه‌داری

آمارهای گذران وقت افراد جامعه از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و محققان مطالعات اقتصادی و اجتماعی در بسیاری از کشورها قرار گرفته است. بررسی متوسط زمان سپری شده توسط افراد جامعه در هر گروه فعالیت و در نتیجه شناخت الگوی گذران وقت افراد در هر یک از گروه‌های مختلف اجتماعی مبنایی برای برنامه‌ریزی در زمینه‌ی مسائل اجتماعی اقتصادی کشور را فراهم می‌نماید. آمارگیری گذران وقت با هدف ارائه‌ی اطلاعات مربوط به شناخت نوع و مدت زمان فعالیت‌های انجام شده توسط افراد جامعه و بررسی تغییرات شیوه‌ی زندگی افراد، نخستین‌بار برای یک دوره‌ی آمار یک‌ساله در فصل‌های پاییز و زمستان سال ۱۳۸۷ و بهار و تابستان سال ۱۳۸۸ توسط دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران تهیه، طراحی و اجرا شد. دوره‌ی آمار بعدی این آمارگیری در فصل‌های پاییز و زمستان سال ۱۳۹۳ و بهار و تابستان سال ۱۳۹۴ در نقاط شهری کشور به روش نمونه‌گیری چرخشی اجرا شد. بر اساس یافته‌های آمارگیری از گذران وقت در تابستان سال ۱۳۹۴، متوسط زمان سپری

شده در فعالیتهای خانه‌داری^۴ توسط مردان ۱۵ ساله و بیش‌تر در کشور برابر با ۱ ساعت و ۱۷ دقیقه و برای زنان ۵ ساعت و ۲۵ دقیقه است [۵]. این یافته‌ها نشان می‌دهد که در طول شبانه‌روز زمان سپری شده توسط زنان برای فعالیتهای خانه‌داری ۴ برابر بیش‌تر از مردان است. بر اساس یافته‌های این آمارگیری زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله به‌طور متوسط فقط ۳۴ دقیقه در روز به کار و فعالیتهای شغلی و ۴ ساعت و ۵ دقیقه به فعالیتهای خانه‌داری می‌پردازند در حالی که مردان جوان ۲ ساعت و ۳۹ دقیقه به امور شغلی و تنها ۱ ساعت و ۱۷ دقیقه به خانه‌داری اختصاص می‌دهند. با وجود این‌که متوسط زمان صرف‌شده برای فعالیتهای خانه‌داری به‌طور متوسط ۲۳ دقیقه نسبت به سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است اما هنوز از ۳ ساعت و ۲۳ دقیقه تجاوز نمی‌کند [۵].

مقایسه‌ای میان زمان سپری‌شده در فعالیتهای خانه‌داری در میان زنان و مردان شاغل نشان می‌دهد که زنان ۳ و نیم برابر بیش‌تر از مردان به این امور اختصاص می‌دهند (زنان ۳:۱۸ دقیقه و مردان ۵۹ دقیقه) [۵].

زنان بیکار با متوسط ۴ ساعت و ۲۹ دقیقه، ۲/۴ برابر بیش‌تر از مردان بیکار با متوسط ۱ ساعت و ۵۲ دقیقه به فعالیتهای خانه‌داری می‌پردازند [۵]. این ارقام مؤید این واقعیت هستند که زنان حتی در شرایط فعالیت اقتصادی مشابه با مردان، زمان بیش‌تری را به فعالیتهای خانه‌داری اختصاص می‌دهند.

۴- علت‌های عدم حضور و مشارکت در بازار کار بر اساس آمارگیری نیروی کار

آمارگیری نیروی کار بر اساس نیاز برنامه‌ریزان با هدف شناخت ساختار و وضعیت جاری نیروی کار و تغییرات آن از طریق محاسبه‌ی شاخص‌های فصلی و سالانه‌ی نیروی کار مانند نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری و تغییرات آن‌ها به روش نمونه‌گیری چرخشی با استفاده از نمونه‌ی پایه با الگوی چرخش ۲-۲-۲ طراحی و از سال ۱۳۸۴ اجرا شده است. نمونه‌گیری چرخشی با ثابت نگه داشتن بخشی از واحدهای نمونه‌ای بین دو فصل آمارگیری و تغییر بقیه‌ی واحدها امکان برآورد تغییرات را فراهم می‌آورد.

پرسشنامه‌ی آمارگیری از نیروی کار در پرسش شماره‌ی ۳۳ از افراد غیر شاغل در خصوص علت این‌که فرد غیر شاغل در طول هفته‌ی پیش از آمارگیری اقدام مشخصی برای

جستجوی کار یا ایجاد کسب و کار انجام نداده است، اطلاعاتی گردآوری می‌کند. این پرسش همراه با گزینه‌هایش در پیوست آمده است. در این بخش به بررسی این علت‌ها در میان جمعیت غیر فعال به‌ویژه زنان غیر فعال پرداخته می‌شود. منظور از جمعیت غیر فعال گروهی از جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر است که در هفته‌ی پیش از آمارگیری در تولید کالا و خدمات مشارکت نداشته (شاغل نبودند) یا قابلیت مشارکت را نداشتند (بیکار نبودند). مروری بر نوشتگان در این زمینه نشان داد که تحصیلات و وضع زناشویی می‌تواند بر پاسخ افراد و در نتیجه علت‌های عدم جستجوی کار در میان آن‌ها مؤثر باشد. از میان مقاله‌های مختلفی که در این زمینه وجود دارند به مثالی از کشور مراکش اشاره شده است که یافته‌های یک آمارگیری مشابه آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران است. در مراکش ۳۰ درصد زنان جوان ساکن نقاط شهری صرف‌نظر از وضع فعالیت‌شان (بیکار یا غیر فعال بودن) نداشتن تحصیلات و مهارت کافی، در حدود ۱۴ درصد مسئولیت‌های خانوادگی و ۱۳ درصد هم مخالفت یکی از اعضای خانواده را دلیل عدم جستجوی کار و خروج از بازار کار عنوان کردند. همچنین ۵۵ درصد زنان و ۴۰ درصد مردان بیکار ساکن نقاط شهری، نبود موقعیت‌های شغلی و ۱۴ درصد زنان و ۳۱ درصد مردان دلسرد شدن از یافتن شغل را علت خروج‌شان از نیروی کار عنوان کردند. از دیدگاه زنان جوان در حال تحصیل با افزایش تحصیلات و فراگیری مهارت‌های بیش‌تر می‌توانند گزینه‌های شغلی بهتری را برای انتخاب داشته باشند. اما این دیدگاه در میان زنانی که در حال تحصیل نیستند وجود ندارد و به نظر آنان مسئولیت‌های خانوادگی و مخالفت‌های خانواده علت اصلی عدم حضور در بازار کار است [۹]. در ادامه علت‌های عدم مشارکت اقتصادی در بازار کار ایران از دیدگاه مردان و زنان و در میان زنان دانش‌آموخته‌ی آموزش عالی همچنین از نقطه نظر زنان با وضع زناشویی مختلف آمده است.

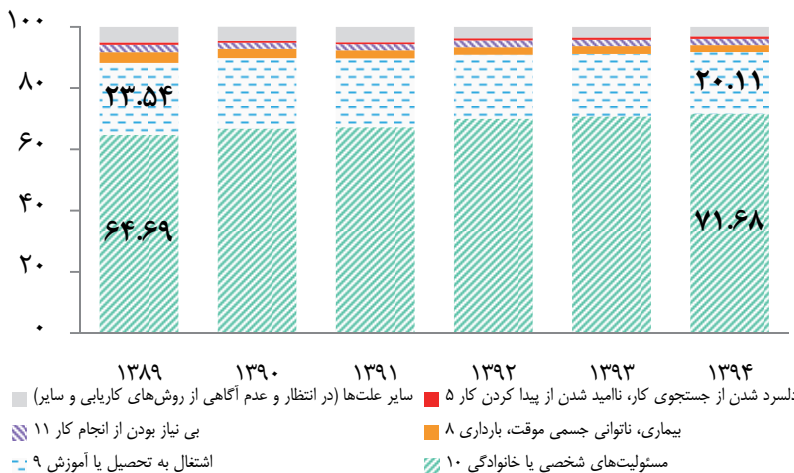
۱-۴- علت‌های عدم مشارکت در بازار کار در میان زنان و مردان غیر فعال

همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، در حدود ۷۲ درصد از زنان غیر فعال مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی را به‌عنوان مهم‌ترین مانع برای این‌که در بازار کار فعال نیستند؛ بیان کرده‌اند. نزدیک به ۲۰ درصد از این زنان به علت اشتغال به تحصیل از فعالیت در بازار کار بازمانده‌اند. بیماری، ناتوانی جسمی موقت، بارداری با ۲/۲۳ درصد و بی‌نیازی از انجام کار با ۲/۰۵ درصد به‌عنوان علت‌های بعدی عدم فعالیت زنان غیر فعال

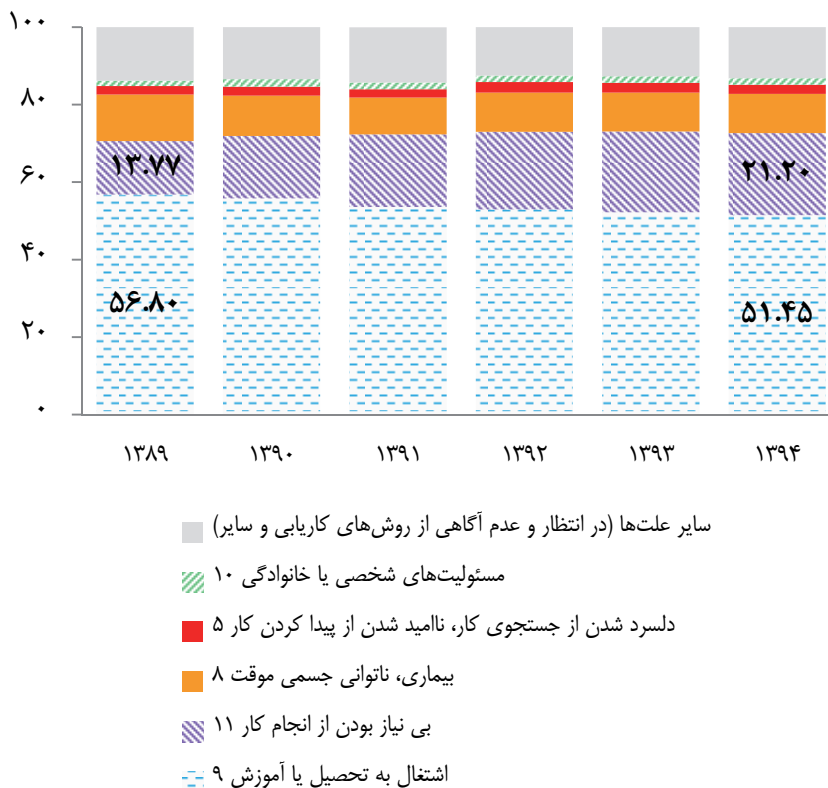
بیان شده‌اند. دلسردی از جستجوی کار و ناامیدی از یافتن کار نیز، علی‌رغم درصد بسیار پایین ۰/۸۴ درصد به‌عنوان یکی دیگر از علت‌های عدم مشارکت در بازار کار از سوی زنان غیر فعال مطرح شده است. با این وجود این رقم در مقایسه با سال ۱۳۸۹، ۰/۷ درصد افزایش داشته است.

بررسی علت‌های عنوان‌شده از سوی مردان غیر فعال برای عدم جستجوی کار الگوی کاملاً متفاوتی از زنان غیر فعال را نشان می‌دهد. بر اساس شکل ۲، اشتغال به تحصیل یا آموزش، بی‌نیاز بودن از انجام کار و بیماری، ناتوانی جسمی موقت به ترتیب با ۵۱/۴۵، ۲۱/۲۰ و ۱۰/۱۴ درصد سه علت اصلی عدم جستجوی کار از سوی مردان غیر فعال عنوان شده است. جالب توجه است که برخلاف درصد بسیار بالایی از زنان غیر فعال، فقط ۱/۶۹ درصد از مردان غیر فعال به دلیل مسئولیت‌های خانواده از حضور در بازار کار بازمانده‌اند. در این میان ۲/۱۳ درصد از مردان نیز برای بازگشت به بازار کار یا ورود به این بازار در آینده امید دارند. این در حالی است که فقط ۰/۲۱ درصد از زنان غیر فعال امید^۵ و انتظار دارند که به بازار کار ورود پیدا کنند یا دوباره به آن بازگردند.

نگاهی به این علت‌ها نشان می‌دهد که نه فقط سهم بزرگی از زنان غیر فعال به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی از فعالیت در بازار کار بازمانده‌اند بلکه امید و انتظاری هم برای ورود به این بازار و استفاده از توان خود برای افزایش تولید و توسعه کشور نداشته‌اند.



شکل ۱- علت‌های عدم مشارکت زنان غیر فعال در بازار کار، ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴

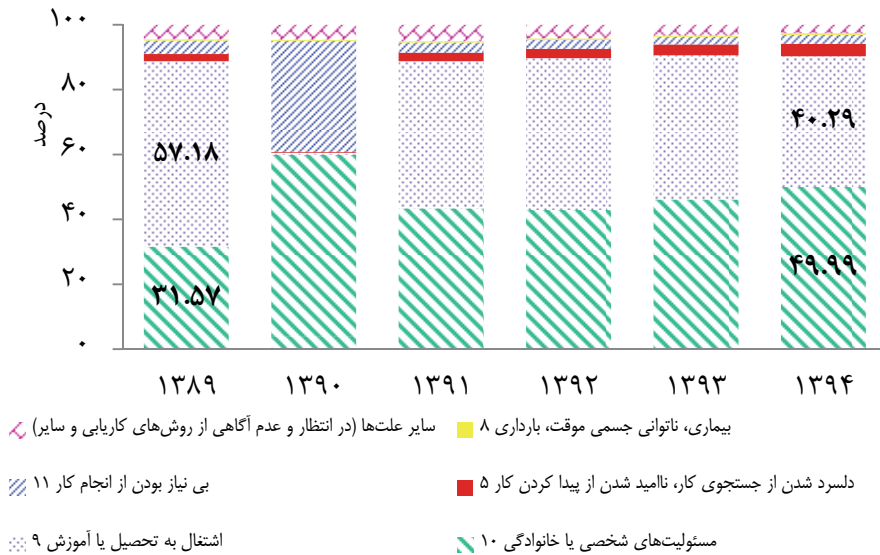


شکل ۲- علت‌های عدم مشارکت مردان غیر فعال در بازار کار، ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴

۲-۴- علت‌های عدم مشارکت زنان دانش‌آموخته‌ی آموزش عالی در بازار کار

پیش از پرداختن به علت‌های عدم مشارکت اقتصادی زنان دانش‌آموخته‌ی آموزش عالی لازم به ذکر است که منظور از دانش‌آموخته‌ی دوره‌ی آموزش عالی (افراد غیر محصل)، غیر محصلانی هستند که دارای مدرک تحصیلی دوره‌های عالی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا، حرفه‌ای و تخصصی، یا معادل آن) هستند. همچنین از سال ۱۳۸۷ غیر محصلان علوم دینی دارای مدرک دوره‌های سطح ۱ تا ۳ و اول و دوم خارج نیز در گروه دانش‌آموختگان دوره‌ی آموزش عالی قرار گرفتند. پایه و مدرک تحصیلی ایران بر اساس طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی آموزش^۶ است.

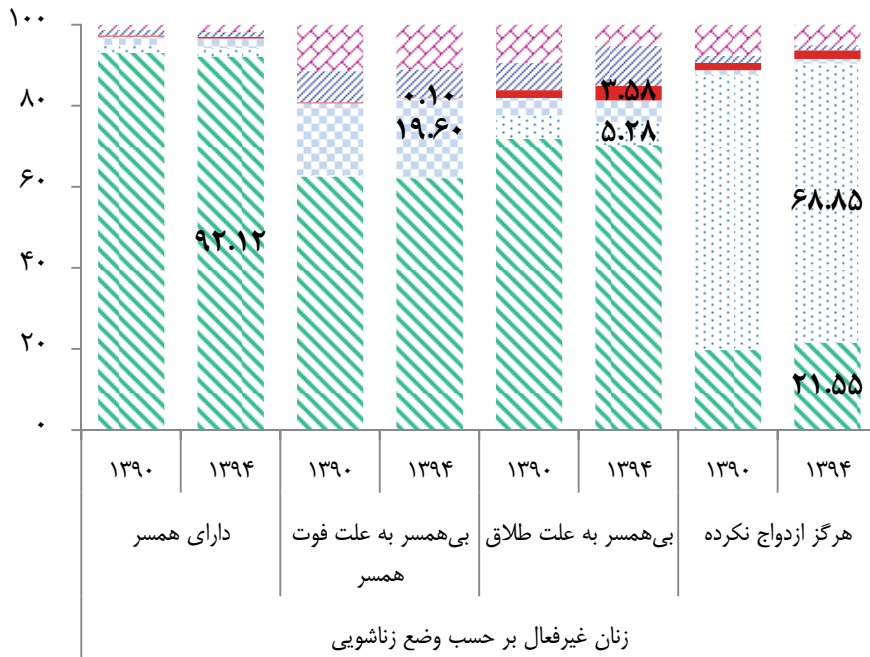
به نظر می‌رسد نگرش و اشتیاق زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی با افزایش تحصیلات تغییر چشمگیری داشته است. بنا بر این به ریشه‌یابی علت‌های عدم جستجوی کار در میان زنان غیر فعال دانش‌آموخته‌ی آموزش عالی پرداخته شد. با این بررسی مشخص شد، ۴۹/۹۹ درصد از زنان غیر فعال تحصیل‌کرده‌ی آموزش عالی مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی را به‌عنوان مهم‌ترین علت و پس از آن ۴۰/۲۹ درصد دیگر از این زنان اشتغال به تحصیل یا آموزش را علت عدم جستجوی کار بیان کرده‌اند. در سال ۱۳۸۹ در حدود ۶۰ درصد زنان دانش‌آموخته‌ی دانشگاهی اشتغال به تحصیل را مهم‌ترین علت عدم حضور در بازار کار بیان کرده‌اند. این در حالی است که در سال ۱۳۹۴ نزدیک به نیمی از این گروه از زنان مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی را مهم‌ترین علت برای عدم جستجوی کار بیان داشته‌اند. مسئله‌ی نگران‌کننده و قابل توجه این است که در سال ۱۳۸۹، ۰/۷ درصد از زنان غیر فعال این گروه امید برای ورود به بازار کار و فعالیت در نیروی کار را داشته‌اند در حالی که در سال ۱۳۹۴ همین درصد ناچیز کم‌تر هم شده و به ۰/۵۴ درصد کاهش یافته است (شکل ۳).



شکل ۳- علت‌های عدم مشارکت زنان غیر فعال دانش‌آموخته‌ی آموزش عالی (دارای مدرک) در بازار کار، ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴

۳-۴- علت‌های عدم مشارکت در بازار کار از منظر زنان غیر فعال با در نظر گرفتن تجربه‌ی زندگی زناشویی

با توجه به این‌که نگاه غالب در جامعه‌ی ایران این است که اولویت فعالیت‌های زن رسیدگی به امور منزل، خانه‌داری و همسرمداری است به نظر می‌رسد باید تفاوتی محسوس میان زنان ازدواج‌نکرده و زنان با تجربه‌ی زندگی زناشویی وجود داشته باشد. از این رو به بررسی علت‌های عدم جستجوی کار بر حسب وضع زناشویی پرداخته شد. همان‌گونه که بررسی الگوی نگرشی زنان غیر فعال در خصوص علت‌های عدم مشارکت در بازار کار بر حسب وضع زناشویی در شکل ۴ نشان می‌دهد از نظر بیش از ۶۸ درصد زنان مجردی که هرگز تجربه ازدواج را نداشته‌اند، اشتغال به تحصیل و ۲۱/۵۵ درصد دیگرشان مسئولیت خانوادگی را علت اصلی عدم حضورشان در بازار کار بیان کرده‌اند. این در حالی است که از نظر بیش از ۶۰ درصد زنان غیر فعال بی‌همسر به دلیل فوت همسر، در حدود ۷۰ درصد زنان غیر فعالی که از همسرشان جدا شده‌اند و بیش از ۹۰ درصد زنان غیر فعال دارای همسر، مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی علت اصلی عدم مشارکت زنان غیر فعال در بازار کار است. این نشان می‌دهد حضور یا عدم حضور همسر در زندگی زنان ازدواج‌کرده تأثیر پُرننگی بر تصمیم زنان به مشارکت در بازار کار ندارد و عدم مشارکت زنان در بازار کار جداً مسئله‌ای فرهنگی است که ناشی از دیدگاه زنان نسبت به نقش همسری و مادری در زندگی خانوادگی و وظایف تعریف‌شده از سوی عرف جامعه و خانواده برای آنان در زندگی مشترک زناشویی و البته نقش‌هایی است که اجتماع و به تبع آن افراد از زنان در خانواده انتظار دارند. با توجه به این‌که درصد قابل توجهی در حدود ۲۰ درصد از زنان غیر فعالی که همسرشان فوت کرده و نزدیک به ۹ درصدی که از همسرشان جدا شده‌اند؛ بیماری، ناتوانی جسمی موقت و دلسردی از جستجوی کار و ناامیدی از یافتن کار را به‌عنوان عدم مشارکت‌شان در بازار کار مطرح کرده‌اند، شرایط نگران‌کننده‌ی این گروه از زنان را به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد که توجه بیش‌تر مسئولان امر را به این قشر در معرض آسیب اجتماع می‌طلبد.



- ✘ سایر علت‌ها (در انتظار و عدم آگاهی از روش‌های کاریابی و سایر)
- ▨ بی‌نیاز بودن از انجام کار ۱۱
- دلسرد شدن از جستجوی کار، ناامید شدن از پیدا کردن کار ۵
- ▨ بیماری، ناتوانی جسمی موقت، بارداری ۸
- ▨ اشتغال به تحصیل یا آموزش ۹
- ▨ مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی ۱۰

شکل ۴- علت‌های عدم مشارکت زنان غیر فعال در بازار کار بر حسب وضع زناشویی، (مجرد، دارای همسر و بی‌همسر به علت فوت همسر و طلاق) ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ (درصد)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، زنان بیش از نیمی از جمعیت کشور و بیش از ۴۶ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

را تشکیل می‌دهند. بر اساس تازه‌ترین یافته‌های آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴، نرخ مشارکت اقتصادی زنان برابر با ۱۳٪ درصد بوده است. اما این نرخ در مقایسه با نرخ فعالیت مردان بسیار پایین و تقریباً ۵۰ درصد کم‌تر از آن بوده است. پایین بودن نرخ فعالیت زنان در ایران به معنای آن است که بخش بزرگی از نیروی انسانی توانمند و کارآمد و تحصیل‌کرده در کشور که می‌توانند نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی کشور ایفا کنند بنا به دلایلی از مشارکت در بازار کار باز می‌مانند. بررسی علل عدم مشارکت زنان غیر فعال نشان داد بیش از ۷۰ درصد ایشان مسئولیت‌های خانوادگی و زمانی از روز که صرف فعالیت‌های خانه‌داری می‌شود را مهم‌ترین دلیل برای عدم حضورشان در بازار کار عنوان کرده‌اند. این امر از دیدگاه سنتی خانواده نسبت به زن و نگرش خود زن درباره‌ی نقش‌های همسری و مادری در خانواده نشئت می‌گیرد. چرا که نظر زنان به این مسئله با ورودشان به آموزش عالی و افزایش سطح تحصیلات تغییر کرده و فقط ۴۰ درصد از زنان دانش‌آموخته‌ی آموزش عالی علت عدم مشارکت در بازار کار را به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی عنوان داشته و نیمی از آنان تحصیل یا آموزش را مانع حضور و فعالیت‌شان در بازار کار بیان کرده‌اند. بنا بر این مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی امری است فرهنگی که از نظام‌های ارزشی و باورهای سنتی زنان در خصوص وظایف تعریف‌شده‌ی خانه‌داری و همسررداری برای ایشان نشئت می‌گیرد که با افزایش دانش و آگاهی و خودباوری زنان و البته مشارکت فعال‌تر مردان در امور خانواده می‌تواند بهبود یابد.

توضیحات

1. Gross Domestic Product (GDP)
2. McKinsey Global Institute (MGI)
3. International Labour Organisation (ILO)
۴. بر اساس طبقه‌بندی ICATUS، از ترکیب دو گروه عمده از فعالیت‌ها با کد ۰۶: ارائه‌ی خدمات داخلی بدون دست‌مزد برای مصرف نهایی در خانوار خود و گروه فعالیت‌ها با کد ۰۷: ارائه‌ی خدمات مراقبتی بدون دست‌مزد به اعضای خانوار، گروه فعالیت‌های خانه‌داری به صورت مجموعه فعالیت‌های تهیه و ارائه‌ی غذا، تمیز کردن، جارو کردن و ... خانه و اطراف آن، کارهای مربوط به لباس‌ها، مدیریت خانوار، خرید، سفر یا تردد مرتبط با فعالیت‌های این گروه، فعالیت‌های مرتبط

با خدمات بدون دست‌مزد برای مراقبت از کودکان و بزرگسالان خانوار خود شامل مراقبت از اعضای بیمار یا ناتوان خانوار و سفر یا تردد مرتبط با فعالیت‌های این گروه اصلی است. ۵. از ترکیب گزینه‌های انتظار برای شروع کار جدید ۱، در انتظار بازگشت به شغل قبلی ۲، در انتظار پاسخ کارفرما یا در انتظار اعلام نتایج آزمون استخدامی ۳، در انتظار به ثمر رسیدن سایر اقدامات انجام‌شده برای پیدا کردن کار ۴، در انتظار فصل کاری ۶، امید و انتظار برای ورود به بازار کار یا بازگشت به این بازار محاسبه شده است.

6. International Standard Classification of Education (ISCED97)

مرجع‌ها

- [۱] زراءنژاد، م. و منتظر حجت، ا. (۱۳۸۴). نگاهی به مشارکت اقتصادی زنان در ایران. پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران سال پنجم بهار ۱۳۸۴، شماره‌ی ۱۷، ص. ۹۵.
- [۲] فلاح محسن‌خانی، ز. و موسی کاظمی، ن. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت نیروی کار فارغ‌التحصیلان آموزش عالی. پژوهشکده‌ی آمار، تهران.
- [۳] مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴.
- [۴] مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.
- [۵] مرکز آمار ایران، چکیده یافته‌های آمارگیری از گذران وقت نقاط شهری کشور در تابستان ۱۳۹۴.
- [6] <http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL.FE.ZS>
- [7] International Labour Office (2016). *Women at Work: Trends 2016*. Geneva: ILO.
- [8] Woetzel, J., Madgavkar, A., Ellingrud, K., Labaye, E., Devillard, S., Kutcher, E., Manyika, J., Dobbs, R. and Krishnan, M. (2015). *The Power of Parity: How Advancing Women's Equality Can Add \$12 Trillion to Global Growth*. McKinsey Global Institute (MGI).
- [9] Morikawa, Y. (2015), *The Opportunities and Challenges for Female Labor Force Participation in Morocco*, Global Economy & Development Working Paper 86, Japan International Cooperation Agency (JICA) .

پیوست

پرسش پرسشنامه‌ی آمارگیری نیروی کار

این پرسش از افراد غیر شاغلی که در هفته‌ی پیش از آمارگیری اقدام مشخصی برای جستجوی کار یا دایر کردن کسب و کار انجام نداده‌اند، پرسیده می‌شود.

۳۳- علت این‌که در طول چهار هفته‌ی گذشته در جستجوی کار نبوده‌اید چیست؟

- ۱ آغاز به کار در آینده (انتظار برای شروع کار جدید)
- ۲ در انتظار بازگشت به شغل قبلی
- ۳ در انتظار پاسخ کارفرما یا در انتظار اعلام نتایج آزمون استخدامی
- ۴ در انتظار به ثمر رسیدن سایر اقدامات انجام شده برای پیدا کردن کار
- ۵ دلسرد شدن از جستجوی کار، ناامید شدن از پیدا کردن کار
- ۶ در انتظار فصل کاری
- ۷ آگاهی نداشتن از روش‌های جستجوی کار
- ۸ بیماری، ناتوانی جسمی موقت، بارداری
- ۹ اشتغال به تحصیل یا آموزش
- ۱۰ مسئولیت‌های شخصی یا خانوادگی
- ۱۱ بی‌نیاز بودن از انجام کار
- ۱۲ سایر با ذکر علت:

محدثه صفاکیش

فوق لیسانس آمار

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان باباطاهر، خیابان سرتیپ فکوری شماره‌ی ۱۴۵ پژوهشکده‌ی آمار

رایانشانی: m.safakish_atu@yahoo.com

زهره فلاح محسن‌خانی

دانشجوی دکتری آمار

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان باباطاهر، خیابان سرتیپ فکوری شماره‌ی ۱۴۵ پژوهشکده‌ی آمار

رایانشانی: zohrehf@src.ac.ir